

بذر دین و ایمان

ریحانه؛

افشانندهٔ بذر دیانت و

نگارندهٔ هویت ملت

نگارنده: علی نجاتی مهر  
تهیه شده در واحد تولید محتوای معاونت  
سیاست ورزشی سازمان بسیج دانشجویی



**تحلیل و تعلیقی گزیده بر وجوهی از بیانات  
امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار اقشار  
مختلف بانوان**

۱۴۰۱/۱۰/۱۴

## «سال گذشته، خانم‌ها یک نامه‌ای نوشتند...»

نفس شکل‌گیری این دیدار و حرکت نو، برخواسته از یک نیازسنجی توسط جمعی از بانوان و پیگیری امیدوارانه مسأله و پیشنهادشان از مرجع و نهاد مرتبط بوده است؛ در نوع خود در یک کلام یعنی مطالبه‌گری واجد راهکار. این اتفاق که در عالی‌ترین سطح واقع شد و مبتنی بر اقدام مجموعه‌ای از عناصر مردمی از طریق روش‌های ساده و عادی رقم خورد نشان می‌دهد که چه ظرفیت‌های فراوانی برای اقدام و پیگیری مصلحانه و تعالی‌بخش در دسترس عموم وجود دارد که مشروط به مسأله‌شناسی و نیازسنجی درست می‌تواند به فعلیت برسد. این مسیر، از مهم‌ترین وظایف حلقه‌های میانی و از مهم‌ترین ملزومات تحقق آن است.

## «اعتراض کردند... درست است؛ اشکال واردی است.»

«حتماً این نوشته‌ها را به من بدهید؛ آن خانمی هم که بدون نوشته صحبت کردند، ایشان هم همان حرف‌ها را بنویسند؛ هم دقتش بیشتر خواهد بود، هم فرصت تأمل و تدبّر به ما خواهد داد»

اعتراض و صدای مردم (نه الزاماً فرد به فرد مردم) به شرط

آنکه برخواسته از حریم ملت باشد<sup>۱</sup> امکان شنیده شدن دارد و توسط ولی فقیه و امام جامعه همواره به شکل خاص شنیده و پیگیری شده است که توجه به اعتراض و خیرخواهی از خصایص امام عادل و انسان مهذب و متواضع است؛ اگر صحیح و شدنی بود وظیفه، ترتیب اثر دادن آن است و اگر نادرست یا ناشدنی بود وظیفه، تنویر و تبیین موضوع است تا مردم تفهیم و آگاه شوند.

**«فراموش نکنم از این سرودی هم که بچه‌ها خواندند، تمجید کنم که واقعاً جای تمجید دارد؛ هم شعرش بسیار خوب بود، هم آهنگش بسیار خوبی بود، هم خیلی خوب اجرا شد. من از همه‌ی اینها تشکر میکنم.»**

خداوند شکور است برای هر خیر، بسیار سپاسگزار و قدردان است و هر کس که الهی باشد نیز اینگونه است، خیرشناس و قدرشناس است برای هر عملی که شایسته باشد؛ هر چند که در نگاه بسیاری از مردم، آن عمل جلوه‌ای خاص نداشته باشد. به علاوه، این تشکرها، هم در حکم پاداشی است به

۱ رجوع شود به یادداشت «تغلب صدای قلبی، در فتنه بلندگوها».

عاملان و هم همانند فانوسی دریایی راه را می‌نمایاند و رشد این جریان را در دو بعد کمی و کیفی دنبال می‌کند. سپاسگزاری، خود یک پاداش<sup>۲</sup> دادن است. (امیرالمؤمنین علی علیه السلام، غررالحکم: ۱۶۸۶)

**«در مسئله زن، موضع ما در قبال مدعیان ریاکار غربی، موضع مطالبه است، موضع دفاع نیست.»**

برای مواجهه با جبهه تجدد (مدرنیته) در محل ستیز و نزاع به صورت کلی چهار رویکرد، دسته و مرتبه را به عقیده نگارنده می‌توان ترسیم کرد:

۱. **اضمحلال (نابودی و فروپاشی):** در این حالت مبانی و نظام ارزشی مدرنیته ستیزه‌جو چیره شده و فرد تسلیم است.

۲. **انطباق (وفق و یکسانی):** در این حالت فرد به دنبال جمع کردن مبانی و ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی با مدرنیته است که عملاً به تقاطعی مهلک منتهی می‌شود. در این

---

۲ سپاسگزاری، خود یک پاداش دادن است. (امیرالمؤمنین علی علیه السلام، غررالحکم: ۱۶۸۶)

حالت عملاً اضمحلال، رخ داده است اما به شکلی نرم‌تر و پنهان‌تر؛ سیرت‌زدایی دینی و انقلابی به وقوع پیوسته است اما با حفظ برخی از مؤلفه‌های صورت آن‌ها. این حالت به دلیل برخی پیچیدگی‌ها و تزویرها و قابلیت‌های بیشتر برای نفوذ و اثرگذاری، می‌تواند از حالت قبل بسیار خطرناک‌تر باشد.

**۳. انفعال (بیکارگی و شرم‌ساری):** در این حالت عموماً در بدو کار، عقاید فرد تغییری نکرده است اما مواضع، رفتار و فعالیت فرد متأثر از جو و جریان مهاجم شده است و کناره‌گیری از میدان نبرد و سکوت را پیشه می‌کند و ممکن است در مواردی - معمولاً در لفافه - مواضعی هم‌نوا با مهاجمان هم اتخاذ کند. این حالت غالباً ناشی از مشکلات اخلاقی (و نه الزاماً معرفتی)، هواهای نفسانی و ضعف‌های شخصیتی است. اگر فرد در این حالت باقی بماند و در میدان جهاد تبیین نرزد، و گریز از تکلیف و ارتکاب گناه فرار از جنگ نرم توسط او استمرار پیدا کند، تداوم توفیقِ برخورداری از آن عقاید بعید می‌نماید.

**۴. انتصار (دادستاندن و چیره گشتن):** فقط این دسته هستند

که علاوه بر عقیده حق، ایمان و جهاد نیز دارند و چه در میدان دفاع و پدافند و چه هجوم و آفند (که هنر و توفیق مضاعفی می‌طلبد)، فعالانه حضور دارند و بار امانت اسلام و انقلاب را به دوش می‌کشند و در عهد خود صادقند. روایت فتح و پیشرفت در واقع روایت میدان‌داری این دسته برای گام‌های انقلاب اسلامی است.

**«ارتباطات فضای مجازی خیلی آسان است؛ شماها میتوانید ارتباطات فضای مجازی بگیرید و زمینه‌سازی کنید برای اینکه توجه کنند و این مفاهیم را در قالب گزاره‌های کوتاه و گویا - که هم کوتاه باشد، هم گویا باشد - تنظیم کنید، و بفرستید برای فهم افکار عمومی این هشتگ‌سازی‌ها و مانند اینها که هست؛ اینها امروز خیلی امکان بزرگی است برای شما که در اختیار شما است.»**

جریانی عموماً متشکل از دسته‌های دوم و سوم پیش‌گفته، پیاپی بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را با تقطیع، برجسته‌سازی هدفمند یا تفسیر و تأویل‌های خاص، تحریف می‌کنند و از موضع خود خارج و خنثی یا وارونه می‌سازند؛

گاهی محصول این جریان تحریف‌ساز علناً بر رسانه‌های شخصی و غیرشخصی‌شان نقش می‌بندد و گاهی در محافل و مباحث خودشان باقی می‌ماند؛ اما کارگران جریان درون جبهه‌ای تحریف، عموماً هم با حسن نیت، همواره مشغول کارند!

درباره همین سخنرانی نیز این اتفاق به خصوص درباره چند محور، از جمله موضوع فضای مجازی به وقوع پیوسته است. اگر حتی اندکی بر قواعد شرعی و عقلی واقف و ثابت باشیم، یا لا اقل با سابقه بیانات رهبر حکیم انقلاب دست‌کم در موضوع مدیریت فضای مجازی آشنایی داشته باشیم یا اگر از آن هم محرومیم، همین یک سخنرانی را دقیق و صحیح مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم استفاده‌ای که برخی افراد و جریان‌ها می‌خواهند از این قبیل جملات برای استمرار سال‌های متمادی مماشات به منظور تداوم اشراف و سلطه بازوهای بیگانگان بلکه کفار حربی بر خاک مجازی کشور بکنند و کاپیتولاسیون و استعمار آن‌ها را - که عمدتاً میراث سال‌ها مدیریت وارونه فضای مجازی توسط دولت قبل بوده است - تمدید کنند، هرگز نمی‌تواند مطابق یا حتی نزدیک مراد گوینده عبارات باشد.

## «از کارهای مهمّ شما همین است که فاجعه‌آمیزی نگاهِ فرهنگِ غربی به مسئلهٔ جنسیت و مسئلهٔ زن را افشا کنید»

رهبر حکیم انقلاب اسلامی افشای نگاه فاجعه‌آمیز فرهنگ غربی به مسئلهٔ جنسیت و مسئلهٔ زن را از کارهای مهم شمردند و ابزارها و ظرفیت‌های ارتباطی و فضای مجازی را هم در همین راستا متذکر شدند. می‌توان گفت ایشان در متن بیاناتشان برای این کار مهم، اولویت‌هایی در مخاطبان و مناطق ذکر کردند:

(۱) در داخل کشور خودمان

(۲) در کشورهای اسلامی (تشنهٔ فهمیدن این جور چیزها هستند)

(۳) کشورهای غربی

اما وقتی به عنوان نمونه اقدامات زیر رقم بخورند خود به خود عبارت به کلی تحریف می‌شود و در مقابل منظومهٔ فکری ایشان، مجموعهٔ منویات و بیانات، قواعد فقهی و عقلی و حتی مضامین همین سخنرانی قرار داده می‌شود؛ و بسیاری از اهداف و مخاطبان بسیار تشنه و در دسترس‌تر در داخل کشور و کشورهای همسایه و جهان اسلام نادیده گرفته می‌شوند.

■ دسته‌بندی و اولویت‌گذاری مطرح‌شده حذف شود و صرفاً افکار عمومی غربی، هدف معرفی شود.

■ عموم مردم مخاطب بیانات جا زده شوند و اذعان نشود که صراحتاً مخاطبان نیروهای انقلابی با تسلط کامل بودند (رزمندگان که می‌توانند وارد میدان مین و خاکریز نبرد شوند).

■ ابزار و طریق پیگیری این هدف هم چند سکو و برنامهٔ حربی، مفسد و مهاجم معرفی شود (البته صرفاً برای افراد ذی‌صلاح و با مأموریت‌های مشخص آفندی و پدافندی، فراهم کردن امکان حضور در بسترکار (پلتفرم)‌های مسدودشده یا مستلزم انسداد، می‌تواند موجه باشد).

## **«کسانی که حجاب کامل ندارند را نباید متهم به بی‌دینی و ضدانقلابی کرد»**

این نحوهٔ انعکاس بخشی از بیانات رهبر انقلاب دربارهٔ مسألهٔ حجاب است که تقریباً توسط همهٔ رسانه‌های انقلابی و بسیاری از افراد رقم خورد؛ اگر همین رسانه‌ها و افراد به خود زحمت می‌دادند و همان تکه‌فیلمی را که این جمله

به عنوان شرح آن درج شده بود کامل و با توجه تماشا می‌کردند متوجه می‌شدند که در عبارت رهبر انقلاب تذکرات و جملاتی اساسی موجود است که مقدم بر این جمله هم بوده‌اند اما حتی در حد یک کلمه، نشانی از آن‌ها در شرح آن تکه فیلم همه‌بین که متعلق به همان عبارت است وجود ندارد! اما عبارت رهبر حکیم انقلاب چه بود؟

«حجاب یک ضرورت شرعی است؛ یعنی هیچ تردیدی در وجوب حجاب وجود ندارد؛ این را همه باید بدانند. این که حالا خدشه کنند، شبهه کنند که آیا حجاب لازم است، ضروری است، نه، جای خدشه و شبهه ندارد؛ یک واجب شرعی است که باید رعایت بشود، منتها آن کسانی که حجاب را به طور کامل رعایت نمی‌کنند، این‌ها را نباید متهم کرد به بی‌دینی و ضدانقلابی»

■ پس اولاً تذکری اساسی و فصل الخطاب (و البته بارها گفته شده) مقدم بر آن جمله است و حجاب ضرورتی تردیدناپذیر و خدشه‌ناپذیر معرفی شده است و از ضعف در حجاب قبح‌زدایی نشده و بر نقیصه و خلاف شرع (قانون) بودن آن تأکید شده است. ضمناً حجاب در منظومه فکری واقع‌بینانه و حقیقت‌مدارانه گوینده این عبارات نه صرفاً چند وجب پارچه بیشتر یا فقط یکی از احکام ساده اسلامی،

بلکه از خطوط مقدم یک نبرد هویتی و تمدنی سرنوشت‌ساز و تاریخ‌ساز است.

■ ثانیاً تعبیر دربارهٔ کسانی است که ضعیف‌الحجاب هستند یعنی از حجاب کامل شرعی برخوردار نیستند؛ نه دربارهٔ کسانی که کلاً کشف حجاب کرده‌اند، و نه دربارهٔ باغیان و محاربانی که اینان رشتهٔ معنوی ولایت را گسسته‌اند، از دایرهٔ ملت<sup>۳</sup> خروج کرده‌اند و از شمول یک عبارت پراستفادهٔ دیگر از بیانات در این دیدار، یعنی «این‌ها بچه‌های [معنوی] خودمانند، دخترهای خودمانند» به کلی خارج شده‌اند؛ بلکه کسانی که بخشی از مصادیق عبارت پیشین‌اند این افراد هستند: «امیدشان این بود که همین‌هایی که حجاب نیمه‌کاره دارند بکلی کشف حجاب کنند، [ولی] نکردند؛ یعنی زدند تو دهن آن تبلیغ‌کننده و فراخوان فرستنده».

■ ثالثاً تذکری که گوینده، پیش از این جمله داده‌اند راه را بر تفریط می‌بندد و حذف یا کم‌رنگ کردن آن موجب انحراف

۳ آن چندصد نفری که به عکس سردار شهید با افتخار ما اهانت می‌کنند،

آن‌ها مردم ایرانند یا این جمعیت میلیونی عظیمی که در خیابان‌ها نشان

می‌دهند خودشان را؟ (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)

تحلیل و تعلیقی گزیده بر وجهی از بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار اقشار مختلف بانوان

مسیر حرکت به پرتگاه دیگر می‌شود. مجموعاً همانطور که آشکار است اگر قرار باشد بخشی از این عبارت برای حذف و کتمان انتخاب شود بیشتر باید به سمت همان جمله‌ای رفت که برای عنوان اخبار و شرح تکه فیلم انتخاب شده است! چون آن جمله و امثال آن بسیار بیشتر گفته و ترویج می‌شود تا قسمت حذف‌شده‌ای که عملاً بسیاری از افراد، نسبت به آن در یکی از سه دسته نخست از چهار دسته پیش‌گفته قرار گرفته‌اند.

■ رابعاً اگر بنا بر مصلحت‌اندیشی برای نگفتن یک حقیقت باشد هیچ کس اولی‌تر از ولی فقیه و بیشتر از او در معرض مصالح و ملاحظات نیست؛ چه بسا بسیاری از حقایق که ایشان نبایست تصریح کنند ولی دیگران موظف به تصریح، تبیین و ترویج آن هستند؛ و اگر ایشان تصریح کرده باشند (آن هم به دفعات) دیگر به چه بهانه‌ای تردید، تعلل، ملاحظه‌کاری و انفعال می‌توان داشت؟!

البته نگارنده، توضیح اکثر رسانه‌ها در این مورد را پیشاپیش می‌داند لذا لازم به تذکر است که نسبت به محتوایی که قصد انتشار داریم بررسی‌ها و دقت‌های لازم را داشته باشیم

که البته این خود مستلزم توجه بیشتر و جدی‌تر به توان فکری و معرفتی افراد برای به‌کارگیری آن‌ها و رشد و ارتقای نیروهای به‌کارگرفته‌شده از این حیث است.

می‌بایست مبلغ بیانات رهبری، مطابق مقاصد ایشان بود؛ نه مبلغ افکار و اوهام شخصی و سازندهٔ ساختمان معنایی خود با استفاده از بیانات ایشان به عنوان مصالح ساختمانی و روکش نماساز.

یک تذکر بسیار جدی هم می‌بایست به همهٔ برادران، خواهران، نهادها و رسانه‌هایی داد که خود را نیروهای مؤمن و انقلابی می‌دانند اما هنوز اغتشاشات و جنایات اشرارمحور و دشمن‌ساختهٔ چندماههٔ اخیر را اعتراض می‌نامند! یا با عباراتی نظیر حکمرانی نو، شنیدن خواست و صدای مردم، جمهوریت، بازگشت به پابلیسیتی، جذب حداکثری، اتحاد و پرهیز از تفرقه و چنددستگی و دوقطبی، گفت‌وگو، ایران برای همه، آشتی، رواداری، مدارا و غیره و با سوءاستفاده‌های تحریف‌آمیز از مباحث دینی، بیانات چهره‌هایی نظیر امامین انقلاب، حاج قاسم و بسیاری از چهره‌های برجستهٔ انقلاب، هرچند نادانسته عملاً در خلاف جهت مسیر گفتمان اصیل دینی و انقلابی حرکت می‌کنند و به خدمت جبههٔ متخاصم درآمده‌اند و کوچه‌بازکن او شده‌اند. شرح این ماجرا خود

تفصیل و مجالی مجزای می‌طلبید.

یکی از معضلات اساسی آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی ما ضعف در نهادینه‌سازی نگاه صحیح به مقوله حقوق و وظایف است. مدرنیته و اومانیسم، انسان را هرچه بیشتر به سمت کسب حق و امتیاز، راحت‌طلبی و لذت‌پرستی و نادیده گرفتن وظیفه و تکلیف سوق داد؛ فضای رایج هم آلوده به همین تأکید بیش از حد بر حقوق و امتیازات است.

هر جا حق و امتیازی کسب کنیم و برای ما ایجاد شود، وظیفه‌ای هم بر عهده ما قرار گرفته و حقی هم برای دیگران ایجاد شده است. هر مقدار که حقوق بیشتر باشد وظایف و تکالیف بیشترند و مؤاخذه هم سنگین‌تر و برعکس؛ پس تلاش برای حقوق و امتیازات بیشتر مترادف است با تلاش برای عهده‌دار شدن وظایف و تکالیف بیشتر و تلاش برای افزایش حقوق دیگران بر خودمان و بازخواست سنگین‌تر. می‌بایست این چهارچوب فکری و منظومه متعادل حق و امتیاز و تکلیف و وظیفه و حقوق متقابل در جامعه، مسلط و نهادینه شود که خودبه‌خود بسیاری از معضلات و شبهات از جمله در حوزه خانواده رفع شوند.

**«تشکیل خانواده، ناشی از یک قانون عام وجود است، قانون عام آفرینش است؛ آن قانون عبارت است از قانون زوجیت... خدای متعال در همه چیز، در همه چیز زوجیت قرار داده.»**

من حالا اینجا در پرانتز، باز در حاشیه عرض بکنم، این زوجیت که در نگاه اسلامی این جور واضح است، درست نقطه مقابل تضاد در دیالکتیک هگلی و مارکسیست است؛ یعنی رکن اصلی این دیالکتیک هگل که بعد هم مارکس از او گرفته، تضاد است که حرکت جامعه و حرکت تاریخ و حرکت بشری ناشی از تضاد است. یعنی «تز» و «آنتی تزی» وجود دارد که از آنتی تزی و تز، سنتز به وجود می آید. در اسلام نه، سنتز از آنتی تزی به وجود نمی آید، از زوجیت به وجود می آید؛ از زوجیت است، از ملائمت (تناسب و سازگاری) است، از همراهی است که آن رتبه بعدی به وجود می آید، نسل بعدی به وجود می آید، حرکت بعدی به وجود می آید، مرحله ی بعدی به وجود می آید. البته این ها احتیاج به بررسی و کار دارد. این که من عرض کردم، یک نظریه است، یک نگاه است.»

قانون زوجیت (مطابق فلسفه و جهان بینی اسلامی) به عنوان بدیل اصیل دیالکتیک هگلی و مارکسیست، موردی بنیادین بود که رهبر حکیم انقلاب در خلال و حاشیه بحث

درباره خانواده متذکر شدند.

در دیالکتیک هگلی ابتدا تز(موضوع، تصدیق) قدم به پیش می‌گذارد و آنگاه آنتی‌تز(ضد موضوع، نفی) در مقابل او می‌ایستد و در این حال در اثر تلاقی این دو نقیض جهان به مرحله سوم می‌رسد که دو مرحله قبلی را در خود هضم می‌کند. این مرحله سوم دوباره به عنوان تزی در برابر آنتی‌تزی دیگر مطرح می‌شود و همین‌طور این سیر تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد. کار هگل آن بود که نشان دهد همین سیر دیالکتیکی علاوه بر دنیای فکر و اندیشه در متن جهان هستی نیز جریان دارد؛ او با استفاده از این شیوه، همه امور هستی اعم از تاریخ، طبیعت و فکر و اندیشه و فرهنگ و سیاست را تحلیل می‌کرد.

دیالکتیک هگل را می‌توان در سه اصل زیر صورت‌بندی کرد:  
(۱) همه چیز اعم از فکر و ماده در تغییر و تحول و حرکت دائمی است.

(۲) تضاد و تناقض ویژگی اساسی اندیشه و هستی است و همین تضاد و تناقض پایه و اساس حرکت و فعالیت موجودات است. به عبارت دیگر ریشه حرکت‌ها و جنبش‌ها تضاد و تناقضی است که در میان اشیاء مستقر است.

۳) حرکت تکاملی اشیاء بر اساس عبور از ضدی به ضد دیگر و سپس سازش و ترکیب و وحدت دو ضد در مرحلهٔ عالی‌تر است و به عبارت دیگر حرکت و تغییر، طبق قانون مثلث "تز، آنتی‌تز، سنتز" صورت می‌گیرد.

به فلسفه و دیالکتیک هگل ایرادهایی اساسی وارد است که برخی از اندیشمندان و حکمای اسلامی با استحکام و به تفصیل و دقت بدان پرداخته‌اند و در این مختصر مجال مطرح کردنشان نیست. ذکر این نکتهٔ سربسته هم خالی از لطف نیست که به نظر می‌رسد یکی از علل اساسی مدارا و سازش، بلکه دفاع و استقبال از ضدا ارزش‌ها و معضلات فکری، فرهنگی و امنیتی (و غیره) توسط برخی افراد (بعضاً مشهور) به خصوص برخی اهالی اندیشه در ابتلا و اعتقاد به همین مبنای فلسفی و جهان‌بینی دیالکتیکی نهفته است. اما قرآن کریم زوجیت را به عنوان مسأله‌ای فراگیر و قانونی تکوینی و کلی مطرح می‌کند که دایره‌ای بسیار گسترده‌تر از ازدواج و زناشویی دارد، نه تنها در جانوران و گیاهان بلکه تمام تأثیرات متقابل میان موجودات را شامل می‌شود. عالم بر اساس زوجیت بنا شده است و از خردترین ذرات عالم گرفته تا کلان‌ترین مجموعه‌ها و عناصر، همه و همه از آن پیروی نموده

و بر پایه آن استوارند. استواری و پایداری منظم و منطقی که در طبیعت مشاهده می‌شود ناشی از نظام زوجیت فراگیر در هستی است. اگر چنین تأثیرات متقابلی مبتنی بر قانون زوجیت فراگیر میان اجزای این هستی وجود نداشت طبیعت (و چه بسا فراتر از آن) نابود می‌شد.

قانون زوجیت از سنخ مبانی فلسفی و جزء ارکان جهان بینی (اسلامی) است که اتخاذ آن، سبب سلسله‌ای از تأثیرات اساسی در لایه‌های بعدی و شاخه‌های مختلف می‌شود و امتداد عملی آن‌ها خود را در همه عرصه‌های بشری، فکری، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، علمی، اجتماعی و ... نشان می‌هد.

مرادمان از کلمه زوج یکی از معانی زیر است:

(۱) هر کدام از نر و ماده (مذکر و مؤنث) قرینه یکدیگر در حیوانات (و انسان‌ها)

(۲) هر کدام از دو چیز قرینه همدیگر (مثل یک لنگه کفش) در غیر حیوانات

(۳) هر چیز مقارن، مرتبط و پیوسته با دیگری

مجموعاً به هر دو چیزی که قرین یکدیگرند "زوج" اطلاق

می‌شود به خاطر اینکه در جفت بودن، هر دو محتاج همدند و میانشان رابطه‌ای است که نشان‌دهنده پذیرش و پیوندی میان آن دو است که گسستنی نیست و به هم محتاج هستند و روی هم تأثیر می‌گذارند. حتی به دو لنگه در، یا دو همکار و قرین، زوجین گفته می‌شود، لذا زوجین به معنای هر دو چیزی است که مقابل یا در کنار هم باشند، یکی فاعل و مؤثر باشد، دیگری منفعل و متأثر، از آن‌که فاعل است عملی سرزند، و بر آن‌که منفعل است واقع شود. هر چیزی در این عالم جفتی دارد که با هم بی‌ارتباط و بیگانه نیستند و اجتماع این دو بی‌نتیجه نیست و ثمربخش است. اصولاً مقارنه دو چیز با هم، و نوعی تآلف و ترکیب، از لوازم مفهوم زوجیت است. بنابراین در اسلام و جهان‌بینی توحیدی شکل‌گیری و ایجاد نسل بعدی، جنبش و حرکت بعدی، سطح و مرحله بعدی از زوجیت و ملائمت (هم‌آهنگی، تناسب و سازگاری) و همراهی است.

در حاشیه، پرسشی قابل طرح است و آن اینکه گستره حاکمیت قانون زوجیت چه اندازه است؟ تنها شامل جهان مادی می‌شود یا فراتر از آن را هم در برمی‌گیرد؟ الف. در فلسفه اسلامی نظر مشهور (شیخ اشراق و ملاصدرا) این است که عالم ۳ تا است و ۳ مرتبه دارد: عالم عقل، عالم

مثال و عالم ماده؛ موجودات نیز یا مادی (متعلق به عالم ماده) هستند یا مجرد و غیرمادی (مجرد مثالی یا عقلی). (البته منحصر دانستن عوالم مجرد در عالم عقلی و عالم مثالی، برهانی نیست و از این رو وجود نوعی دیگر از عوالم مجرد را نمی‌توان نفی کرد اما تقسیم موجود به مادی و غیرمادی حصر عقلی است).

ب. مشهور این است که موجودات مجرد تغییر و حرکت ندارند اما نظری مهم و شایان توجه وجود دارد که به تغییر و حرکت در موجودات مجرد نیز بدین شرح قائل است: دلیلی بر استحاله (محال بودن) استعداد، تغییر و حرکت در موجودات -اعم از مجرد مثالی و یا عقلی- وجود ندارد و یا دست کم ما چنین دلیلی نیافتیم؛ علاوه بر این می‌توان ادله نقلی بر وقوع تغییر و حرکت در همه موجودات ممکن از جمله موجودات مجرد اقامه کرد (نظیر دلالت برخی آیات قرآن بر نزول فرشتگان یا دلالت برخی روایات بر مرگ فرشتگان).

ج. ضمناً بر اساس برخی روایات، ویژگی «ثبات و عدم تغییر» ویژگی مخصوص خداوند متعال است و غیر از او، همه موجودات دارای تغییر هستند و از آنجا که هر تغییر ملازم با

حرکت است همه مخلوقات دارای حرکت نیز می‌باشند.

د. شکل‌گیری و ایجاد حرکت، ناشی از زوجیت است.

ه. موجودات مجرد نیز مشمول قانون زوجیت هستند.

بنابراین، به نظر می‌رسد پژوهش و کار روی قانون زوجیت در عالم مجردات، برای اثبات وجود آن و در صورت وجود، بررسی کیفیتش نیز می‌تواند سرفصلی مهم و نو باشد.

**برخی منابع مستفاد: اصول فلسفه و روش رئالیسم / نگاهی  
نوبه فلسفه اسلامی / تضاد دیالکتیکی / آموزش فلسفه**

**در نظام برده‌داری مدرن که به دلیل ذات  
سرمایه‌پرستانه‌ای که دارد مردم‌محور است (چون مردها  
نوعاً بیشتر از لوازم و خصائص سلطه بر منابع و معادن  
برخوردارند) افراد با رضایت و اشتیاق خود به انحراف  
و بردگی کشیده می‌شوند؛ این است استعمار فرانو.  
استعمار فرانو مستلزم جنگ نرم برای فتح افکار و امیال  
افراد است که این جنگ خود مبتنی بر فریب و تدلیس  
و اغلب با تحریک هواهای نفسانی و غرائز حیوانی است  
که ابزار و سلاح رسانه و هنر، و امروزه فضای مجازی، در**

آن نقشی اساسی دارند؛ از خانه بیرون کشاندن زنان برای تأمین نیروی کار ارزان تا بازتنظیم وضعیت زنان برای التذاذ هرچه بیشتر مردان، و تا سر دادن شعار آزادی بردگان سیاه‌پوست جنوب به منظور تأمین نیروی کار نظام برده‌داری مدرن برای شمال آمریکا، که همگی با شعارهای فریبنده و تحت عناوین پرطمطراق به وقوع پیوسته‌اند از نمودهای استعمار فرانو هستند. یکی از نمودهای تازه این نظام استعمار، تحرکات اخیرشان در ایران بود که می‌توان جوهره و مقصد آن تحرکات را در سه محور خلاصه کرد: لاقیدی و هرزگی / درندگی و توحش / استبداد (دیکتاتوری)، مردم‌آزاری، بردگی؛ اما چنین ماهیتی را زیر پرچم و شعار (هرچند بی‌خود و بی‌جهت اما فریبنده و مزورانه) زن، زندگی، آزادی قرار داده بودند. غرب زن را در لجن‌زار جنسیت‌زدگی و ابزارشدگی فرو کرد و خانواده را متلاشی نمود اما وقیحانه خود را پرچمدار و مدعی دفاع از حقوق زن وانمود می‌کند! جریان موسوم به می‌تو هم یک گواه دیگر بود تا تصدیق کند «اینکه می‌گویند آزادی زن، مرادشان آزادی به این معنا است؛ [در نظرشان] اینها آزادی است؛ [اینها] که آزادی نیست؛ عین اسارت است، عین اهانت است». البته آنان با سلطه رسانه‌ای و مجازی خود در

اینگونه موارد، انتشار اخبار و ادراک افراد را به‌گونه‌ای مدیریت و جهت‌دهی می‌کنند که معنا، درس‌ها و عبرت‌های نهفته در این ماجراها بر فکر و قلب افراد ننشیند و با بمباران و انحصار خبری و تحلیلی اجازه تفکر و پرسشگری و شکل‌گیری نگاه و تحلیل سالم و متفاوت را نمی‌دهند. «قبل از انقلاب، حتی بعضی از بزرگان تصوّرشان این بود که این آزادی ارتباط زن و مرد در غرب، موجب می‌شود که چشم و دل مردها سیر بشود و دیگر تخلّفات جنسی انجام نگیرد؛ تخلّفات که گاه‌به‌گاه گوشه و کنار انجام می‌گرفت، وقتی چشم و دل مردها سیر شد، دیگر این تخلّفات انجام نمی‌گیرد؛ این جوری فکر می‌کردند! حالا شما نگاه کنید ببینید که چشم و دل این‌ها سیر شده یا حرصشان صد برابر شده با این تعرّض‌های جنسی‌ای که انجام می‌گیرد؟ دائم دارند می‌گویند. در محیط کار، در کوچه و بازار، در همه جا، حتی در تشکیلات منظم و آهنینی مثل ارتش - که زن‌ها هم آنجا هستند - تعرّض انجام می‌گیرد! تعرّض غیر از فسق توافقی است. حالا آن فسق توافقی به جای خود؛ علاوه بر آن، تعرّض زورکی هم انجام می‌گیرد؛ یعنی نه فقط چشم و دل سیر نشده، حرص و هوس در بین آنها صد برابر شده.»

البته ادعای آنان فقط در موضوع حقوق زنان متوقف

نمی‌شود و در حقوق بشر، مردم سالاری، مقابله با تروریسم و ... نیز به همان اندازه متظاهر هستند و کارنامه‌شان در همه موارد به همان اندازه سیاه. اگر انسانی آگاه و عاقل این وضعیت متناقض را ببیند از این همه وقاحت، حیرت می‌کند اما در این کوه وقاحت کارکردی نهفته است! هیتلر در جلد نخست کتاب خود به نام «نبرد من» نوشته است که «توده‌های وسیع بیشتر قربانی دروغ بزرگ می‌شوند تا دروغ کوچک» زیرا «آنها باور نمی‌کنند که دیگران حقیقت را تا این حد وقیحانه تحریف کنند». آری هیتلر درست گفته است و تجربه و تحقیقات هم بر گفته او صحه می‌گذارند؛ در وقاحت عظیم برای عوام، جاذبه و باورپذیری خاصی نهفته است و چه وقاحتی عظیم‌تر از تظاهر غرب و اذنازش به این شعارها و دغدغه‌ها؟! و مگر یکی از محورهای اصلی تولیدات فضای مجازی اغتشاشات اشرار محور اخیر برای تطهیر خودشان و تخریب نظام اسلامی و نیروهای انقلابی و یکی از قتلگاه‌های عموم مخاطبان، غیر از این شگرد بوده است؟

**«مادرها مایه انتقال عناصر هویت ملی‌اند؛ هویت ملی یک چیز مهمی است. یعنی هویت یک ملت، شخصیت**

یک ملت در درجهٔ اول به وسیلهٔ مادرها منتقل می‌شود؛ زبان، عادات، آداب، سنت‌ها، اخلاق‌های خوب، عادت‌های خوب، این‌ها همه در درجهٔ اول به وسیلهٔ مادر منتقل می‌شود»

«افشانندهٔ بذرایمان در دل‌ها، مادرها هستند که فرزند را مؤمن بار می‌آورند. «ایمان» درس نیست که آدم به یکی درس بدهد یاد بگیرد؛ ایمان یک رویش است، یک رشد معنوی است که بذرافشانی لازم دارد؛ این بذرافشانی به وسیلهٔ مادر انجام می‌گیرد و مادر این کار را می‌کند. اخلاق را همین طور. بنابراین نقش [او] فوق‌العاده است.»

برای حراست از هویت و تعالی آن (به خصوص در کشوری همچون ایران) باید همزمان هویت دینی، هویت ملی و هویت محلی را با رعایت جایگاه‌ها و نسبت‌های بین آن‌ها در نظر داشت. برای تفصیل بیشتر به یادداشت زیر مراجعه شود.

«ستون فقرات هویت و انسجام ملی»

و این جمله از بیانات به عنوان حسن ختام:  
«یکی از واجبات عملی در جامعه ما این است از نگاه غربی‌ها به شدت پرهیز کنیم.»